

اندیشه‌شکده
روابط بین الملل



بررسی ابزارهای سیاسی امنیتی امپریالیسم

محمد حسین صیادنژاد

بررسی ابزارهای سیاسی – امنیتی امپریالیسم

محمد حسین صیادنژاد

چکیده

اندیشکده روابط بین الملل: امپریالیسم جهانی به رفتارهای قرن نوزدهمی خود بازگشته است. یعنی همچون امپریالیسم قرن نوزدهم، برای نیل به اهداف منفعت طلبانه و سلطه طلبانه ی خود اقدام به لشکرکشی کرده و به راحتی از نیروی نظامی استفاده می کند. اما تفاوت عمده ی امپریالیسم قرن نوزدهم و امپریالیسم قرن ما در این است که امپریالیسم قرن ما سعی دارد با ظاهری فریبنده و نجات دهنده، اقدامات سلطه جویانه ی خود را مشروع جلوه دهد و بخشی از اهداف خود را از طریق اقدامات دسته جمعی شرکای خود و در قالب سازمانهای بین المللی همچون سازمان ملل متحد پی گیری کند. در دهه ۱۹۹۰ برای حفظ صلح و امنیت بین المللی به عراق حمله می کند، در سومالی و بوسنی به اقدامات انساندوستانه میپردازد، در قرن بیست و یکم برای مبارزه با تروریسم و سلاح کشتارجمعی به افغانستان و عراق حمله می کند، ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی می داند و از اوضاع حقوق بشر در ایران و سوریه نگران است.

کلیدواژه: امپریالیسم جهانی – منطقه – نظم نوین جهانی – رفتارها و ابزارهای قرن نوزدهمی

هدف از این تحقیق پاسخ به این سؤال است که امپریالیسم جهانی در قرن بیست و یکم از ابزار سیاسی - امنیتی چگونه برای ایجاد و یا استمرار سلطه ی خود بر منطقه بهره می گیرد؟

با بررسی رفتار امپریالیسم در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، نویسنده ی مقاله معتقد است امپریالیسم جهانی به بهانه ی تأمین صلح، ثبات و امنیت بین المللی، مبارزه با تروریسم و سلاح کشتار جمعی، ترویج دموکراسی و حقوق بشر و . . . سعی بر لازم و مشروع جلوه دادن حضور فیزیکی و نظامی خود در منطقه دارد. هم چنین برای نیل به این اهداف به رفتارها و ابزارهای قرن نوزدهمی خود بازگشته است. در سال ۱۹۹۱ به بهانه ی حفظ امنیت بین المللی به عراق حمله می کند. ده سال بعد یعنی در سال ۲۰۰۱ میلادی با بهانه ی مبارزه با تروریسم به افغانستان حمله می کند. در سال ۲۰۰۳ میلادی به بهانه ی مبارزه با سلاح کشتار جمعی به عراق حمله می کند. به بهانه های مختلف و واهی همچون دموکراسی و حقوق بشر در امور داخلی سایر کشورها که ناقض منشور ملل متحد نیز هست مداخله می کند. آیا واقعاً نگران صلح و امنیت جهانی است؟ آیا واقعاً دموکراسی و حقوق بشر برایش مهم است؟ پس چرا از اوضاع حقوق بشر و دموکراسی در کشورهای عرب منطقه خصوصاً عربستان سعودی ابزار نگرانی نمی کند؟ تا چه اندازه اهداف ظاهری و اعلامی امپریالیسم با اهداف واقعی و پنهان آن مطابقت دارد؟

پژوهشگر در این نوشته معتقد است امپریالیسم جهانی در هر برهه ی زمانی با نقابی خاص و دلسوزانه و مطابق با نیازهای امنیتی جهانی خاص آن دوره، اقدام به مداخله ی مستقیم نظامی کرده و سعی دارد خود را به عنوان ناجی جهانی معرفی کند. در حالی که در پس این نقاب و ظاهر دلسوزانه اهداف پنهان و منفعت طلبانه ای را دنبال می کند. در واقع با شعار خدمت به جامعه بشری منافع خود را پیگیری می کند .

آدمیکند در رابطه بین اسلحه

فروپاشی شوروی سابق و نظم بین المللی جدید

پس از فروپاشی شوروی سابق و پایان جنگ سرد بسیاری از نظریه پردازان بین المللی بر این عقیده بودند که امپریالیسم جهانی به پایان خواهد رسید و از این پس چیزی به نام امپریالیسم وجود نخواهد داشت.

البته اکثر این نظریه پردازان و صاحب نظران از جمله کسانی بودند که از بلوک غرب و نظام سرمایه داری پیشتیبانی می کردند. به عقیده ی آنان پس از زوال کمونیسم و چیرگی لیبرالیسم و دموکراسی، جهان و نظم جهانی به سوی صلح، امنیت و همکاری حرکت خواهد کرد. زیرا عامل اصلی ناامنی و اصطکاک بین المللی وجود کمونیسم و خصوصاً رقابت دو ابر قدرت شرق و غرب بود. و حالا چیزی به نام کمونیسم یا بلوک شرق وجود نداشت. بنابراین اکنون جهان طعم صلح و امنیت را خواهد چشید. اما به عقیده نویسنده، فروپاشی شوروی سابق نه تنها به امپریالیسم پایان نداد و موجبات صلح و امنیت بین المللی را فراهم نکرد بلکه موجب بروز و ظهور شکل جدیدی از امپریالیسم و سلطه جهانی شد. سلطه و امپریالیسمی که ظاهری آراسته و فریبنده، اما باطن و هدفی مخرب و زیان آور داشت. این بار نظام سرمایه داری و لیبرال جهانی در قالب دموکراسی، مبارزه با تروریسم، مداخله ی بشر دوستانه، حفظ صلح و امنیت بین المللی، آزادی مبادلات و ارتباطات و . . . نقش امپریالیسم و پلیس جهانی را ایفا می کرد.

تجدیدنگار در رابطه بین الملل

فروپاشی شوروی زمینه ی یکه تازی و رهبری جهانی را برای آمریکا فراهم ساخت. زیرا تا پیش از این وجود بلوکی قدرتمند و سرسخت به نام بلوک شرق مانع مهمی در برابر آمریکا و اهداف سلطه طلبانه و امپریالیستی آن تلقی می شد. حالا دیگر این مانع سرسخت و قدرتمند وجود نداشت و دست آمریکا و متحدانش در ایفای نقش و پی گیری منافع خود در جامعه بین المللی بازتر بود.

ناتو و بحران مشروعیت

بعد از فروپاشی شوروی سابق، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با بحران مشروعیت مواجه شد. زیرا این سازمان در سال ۱۹۴۹ با هدف اصلی مقابله و مبارزه در برابر توسعه و نفوذ کمونیسم ایجاد شده بود.

این سازمان یک سازمان سیاسی - نظامی ارزشمند برای غرب محسوب می شد. زیرا برای اولین بار اعضای اصلی دو قاره ی جهان را برای مبارزه با دشمن مشترک یعنی کمونیسم متحد کرده بود. اما حالا دیگر کمونیسمی وجود نداشت و بلوک شرق به رهبری شوروی سابق فرو پاشیده بود. بنابراین نیاز به باز تعریفی جدی در اهداف ناتو احساس می شد. بحران کویت (جنگ دوم خلیج فارس ۱۹۹۰)، دکترین بوش پدر و سایر تحولات اواخر دهه ی نود و اوایل قرن بیست و یکم، به حفظ و تداوم وجود ناتو کمک کرد. از این پس ناتو به عنوان سازمانی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی تلقی می شد.

بحران کویت سرآغازی بر یکه تازی آمریکا در منطقه

در دوم اوت سال ۱۹۹۰ عراق به رهبری صدام حسین به کشور کویت حمله کرده، آن را ضمیمه خاک خود کرده و ادعا می کند کویت متعلق به عراق است و در اثر توطئه غرب از عراق جدا شده است. بررسی دلیل حمله ی عراق به کویت هرچه بوده از حوصله ی این مقاله فارغ است. در این نوشتار چیزی که برای پژوهشگر مهم است عکس

العمل شدید و آنی آمریکا و ۲۷ متحد آن نسبت به این اقدام عراق است. آیا واقعاً حفظ صلح و امنیت بین المللی و نگرانی از نقض آن دلیل اصلی حمله ی آمریکا و متحدانش (نیروهای ائتلاف) به عراق بوده است ؟

همان طور که در ابتدای مقاله گفته شد، بررسی اهداف پنهان امپریالیسم جهانی از اهداف اصلی این مقاله است. بنابراین با همین رویکرد به بررسی اهداف پنهان و اصلی آمریکا از حمله به عراق می پردازد.

به طور کلی دو هدف کلی برای حمله به عراق در سال ۱۹۹۱ می توان ذکر کرد:

1-دلیل سیاسی و امنیتی

2-دلیل اقتصادی

دلیل سیاسی حمله به عراق

در این زمان، جنگ سرد پایان یافته و شوروی سابق فرو پاشیده بود. آمریکا نیز با هدف عهده گیری رهبری جهان و پلیس جهانی در صدد بود تا نظام بین المللی تک قطبی مورد نظر خود را ایجاد کند. به نظر می رسد این عمل صدام یعنی حمله به یکی از متحدان آمریکا یعنی کویت نه تنها مورد خوشایند آمریکاییان نبود بلکه بر خلاف نظمی بود که آمریکا در قالب دکترین بوش پدر در پی ایجاد و استقرار آن بود. دومین دلیل سیاسی مداخله ی آمریکا در کویت، حفظ برتری متحدان آمریکا در منطقه خصوصاً عربستان سعودی و اسرائیل بود. با توجه به منابع عظیم نفتی کویت و موقعیت ژئوپلتیک آن در خلیج فارس و همین موارد دسترسی آن به آبهای آزاد جهان، در صورت انضمام آن به عراق قدرت صدام دو چندان می شد که این با توجه به دلایلی که ذکر شد به هیچ وجه مورد خوشایند آمریکا و خصوصاً متحدان خاورمیانه ای آن نبود .

دلیل اقتصادی حمله به عراق

بر این اساس هدف اصلی آمریکا حفظ و ادامه ی تسلط خود بر منابع نفتی کویت و تضمین صدور آن به آمریکا و متحدانش بود. هم چنین آمریکا می توانست کنترل شیر نفت صادراتی به رقبای خود یعنی چین و روسیه و آلمان را در اختیار داشته باشد. بر اساس آمارهای دهه ۱۹۸۰، عربستان و کویت به تنهایی ۴۰ درصد ذخایر شناخته شده جهانی را در اختیار داشتند و کشور کویت در ۲۲ کشور جهان که اکثر آن ها متحد آمریکا بودند بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری کرده بود و در اروپا حدود ۶۵۰۰ جایگاه پمپ بنزین داشت .

نتایج مداخله ی آمریکا در کویت

۱. حفظ برتری اسرائیل در منطقه
۲. اثبات اراده ی خلل ناچذیر آمریکا برای تحمیل معیارهای مورد نظر آمریکا
۳. سلطه و هژمونی آمریکا بر شورای امنیت
۴. جلوگیری از ظهور یک قدرت منطقه ای که متحد آمریکا نیست
۵. تسلط بر منابع نفتی و تسلط بر راه های صدور نفت
۶. و ...

تقدیرشنکده روابط بین الملل

دکترین بوش پدر و نظم نوین جهانی

این دکترین که تأثیر به‌سزایی در ترسیم سیاست خارجی آمریکا در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم داشت با هدف ایجاد نظام بین‌المللی دلخواه یعنی تک‌قطبی سلسله‌مراتبی در دهه ۱۹۹۰ توسط بوش پدر رئیس‌جمهور آمریکا مطرح شد.

هدف اصلی این دکترین ایجاد نظم بین‌المللی جدید با رهبری و محوریت آمریکا بود.

چهار محور اصلی دکترین بوش:

۱. نظم نوین جهانی بر اساس ارزش‌ها و منافع آمریکا تدوین شده و تعقیب می‌شود.

این ارزش‌ها در بعد سیاسی دموکراسی، در بُعد فرهنگی لیبرالیسم و در بُعد اقتصادی بازار آزاد و سرمایه‌داری است.

۲. دخالت دسته‌جمعی در امور داخلی کشورها

۳. توسعه همکاری با سایر کشورهای دوست و متحد آمریکا

۴. واگذاری مسئولیت به سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

مشاهده می‌شود که نظم نوین یک نظم کاملاً آمریکا محور و مطابق با منافع و ارزش‌های آمریکایی است. طبق این دکترین آمریکاییان جهان را به دو بخش متحدان آمریکا و سایر دولت‌ها که متحد آمریکا نیستند تقسیم کرده و از طریق دیپلماسی هوشمندانه‌ای که همان ترکیب منطقی و معقول کاربرد خشونت، مذاکره و چانه‌زنی است منافع خود را دنبال می‌کنند.

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و ظهور تروریسم بین المللی : حمله به افغانستان

ده روز پس از حادثه سپتامبر یعنی در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جرج بوش پسر در برابر کنگره آمریکا آغاز نظم نوینی را در روابط بین المللی اعلام کرد. طبق این دکترین کشورهای جهان می بایست از میان تروریست و آمریکا یکی را انتخاب کنند. طبق دکترین بوش، هر که با ما نیست علیه ماست. در واقع پس از حادثه ۱۱ سپتامبر قبل از ریشه یابی دقیق و علمی موضوع، بلافاصله رسانه های آمریکایی و برخی از سیاست مداران آمریکایی، جهان اسلام و دنیای عرب را مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند و بوش عبارت جنگ صلیبی را مطرح کرد و نوک پیکان حملات خود را متوجه جهان اسلام کرد. « هنگامی که از رئیس جمهور آمریکا سؤال کردند شما مدعی هستید سازمان القاعده عامل این حادثه بوده است، آیا شاهد و دلیلی هم دارید ؟ بوش در پاسخ گفت : امروز روز جنگ است و روز ارائه قرائن و شواهد نیست "

حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر (صرف نظر از دلیل و عاملان حادثه) مستمسک و دلیلی شد برای حضور نظامی و فیزیکی آمریکا به بهانه ی مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی. تروریست و بنیادگرایی که خود غرب در سال ۱۹۷۹ با حمایت عربستان سعودی پرورش داده بودند. هدف آمریکا از حمایت از طالبان و القاعده محقق شده بود، شوروی مجبور به ترک افغانستان شده و فرو پاشیده بود. بنابراین دیگر نیازی به وجود آنان نبود.

حادثه ۱۱ سپتامبر بهترین فرصت بود برای سوء استفاده از بحران پدید آمده برای نیل به اهداف و مقاصد سلطه جویانه و منفعت طلبانه خود.

این بار نیز آمریکا با هدف ظاهری و به بهانه ی مبارزه با تروریسم بین المللی به افغانستان حمله کرد. در حالی که اهداف مهم تر و منفعت طلبانه تری را دنبال می کرد .

تهدیدهای جهانی و روابط بین الملل

اهداف آمریکا از حمله افغانستان:

۱. تضمین و تحکیم تسلط بر منطقه و جلوگیری از نفوذ سایر قدرت ها
۲. میزان محاسبه ی واکنش بین المللی در برابر حمله آمریکا به افغانستان
۳. مدیریت و کنترل منابع آسیای میانه
۴. تحدید و کنترل چین و روسیه
۵. حفظ امنیت اسرائیل
۶. زمینه سازی برای فروش تسلیحات به کشورهای منطقه
۷. مهار ایران
۸. مهار اسلام گرایی در آسیای مرکزی
۹. دسترسی به منابع افغانستان (۳۳۰ نوع معدن طلا، مس، لیتیم، و . . . که ارزش این معادن بیش از یک تریلیون دلار تخمین زده شده است)

در مورد افغانستان نیز ملاحظه می شود که آمریکاییان با هدف ظاهری مبارزه با تروریسم، اهدافی پنهان و شخصی تری را دنبال می کردند، نه مبارزه با تروریسم و تأمین منافع جهانی.

تجدیدبستگی در روابط بین الملل

عراق و ادعای وجود سلاح های کشتار جمعی : حمله عراق در مارس ۲۰۰۳

حمله به عراق در مارس سال ۲۰۰۳ میلادی با هدف نابود کردن توان تولیدی سلاح های کشتار جمعی و مبارزه با تروریسم صورت گرفت.

علل و اهداف ظاهری که در مورد حمله به عراق توسط مقامات آمریکایی مطرح شد عبارتند از:

۱. مبارزه با سلاح های کشتار جمعی (سلاح اتمی، شیمیایی و میکروبی)

۲. این استدلال که صدام حامی تروریسم است و ممکن است سلاح های کشتار جمعی را در اختیار تروریست ها قرار دهد. از آن جا که تروریست ها آمریکا و

متحدها آن را هدف اصلی خود قرار داده اند بنابراین، این خطر به طور جدی منافع ملی آمریکا را تهدید می کند.

این ها صرفاً انگیزه ی ظاهری و اعلام شده ی حمله به عراق بود، مسلماً آمریکایی ها اهداف مهم تر و وسیع تری را در پس این اهداف ظاهری دنبال می کردند.

حمله به عراق در حالی صورت گرفت که سازمان ملل متحد، شورای امنیت و حتی برخی از اعضای ناتو با حمله به عراق مخالف بودند. شورای امنیت بر این عقیده بود که

تحریم های بین المللی و نظارت کارشناسان سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی موجب توقف تولید و تکثیر سلاح های کشتار جمعی توسط عراق شده است.

اما ظاهراً آمریکا برای حمله به عراق تصمیم خود را گرفته بود. قبل از حمله به عراق، آمریکا تأکید داشت عراق باید حضور بازرسان سازمان ملل را بپذیرد. هنگامی که این

موضوع مورد پذیرش دولت عراق قرار گرفت بازرسان سازمان ملل در عراق حاضر شده، بر فعالیت های نظامی عراق نظارت کرده و گزارشی مبنی بر عدم انحراف فعالیت

های عراق صادر کردند.

تجدید روابط بین الملل

بلافاصله مقامات آمریکایی اعلام کردند که این گزارشات مورد قبول نیست و در مقابل، اسناد و مدارکی مبنی بر سعی عراق در تولید سلاح کشتار دسته جمعی ارائه کردند. برخی از دولت های اروپایی همچون آلمان، روسیه و فرانسه مدارک آمریکا را ساختگی و جعلی اعلام کردند. مقامات آمریکایی اعلام کردند در هر صورت صدام باید برود و در صورت عدم صدور قطعنامه ی مورد نظر آمریکا توسط سازمان ملل، این کشور به تنهایی و خارج از چارچوب سازمان به عراق حمله خواهد کرد. به هر حال حمله به عراق برای جلوگیری از تولید و تکثیر سلاح کشتار جمعی صورت گرفت و همان طور که گفته شد، این فقط دلیل ظاهری و اعلام شده ی حمله به عراق بود و دلایل اصلی و مهم تری نیز وجود داشت و آن دسترسی به منابع عظیم نفت عراق بود.

«در سال ۱۹۹۵ فرمانده ی مرکزی آمریکا که مسئولیت عملیات در خاورمیانه را بر عهده دارد می گوید: هدف درگیری آمریکا در خلیج فارس بر اساس استراتژی امنیت ملی آن است که دسترسی بدون وقفه آمریکا و متحدینش به نفت خلیج فارس را مطمئن سازد»

«رئیس اسبق سازمان سیا و از طرفداران سرنگونی صدام به روشنی می گوید: هر کشوری که در سرنگونی صدام آمریکا را همراهی نکند بعداً سهمی از نفت نخواهد داشت»

در گزارشی که در سال ۲۰۰۰ توسط دیگ چینی معاون ریاست جمهوری آمریکا ارائه شده است، در این سال ۵۰ درصد نفت مورد نیاز آمریکا از خارج تأمین شده است و این میزان در سال ۲۰۲۰ به ۷۵ درصد یعنی دو سوم نیاز آمریکا می رسد. بنابراین آمریکا از همین حالا باید برای آینده ی خود برنامه ریزی کند و عراق به رهبری صدام گزینه ی خوبی بود. اما چرا عراق؟ زیرا:

۱. بعد از عربستان غنی ترین منابع نفتی جهان و خاورمیانه را در اختیار دارد.

۲. هنوز مناطق نفت خیز کشف نشده ای در عراق وجود دارد.

۳. رقبای آمریکا خصوصاً روسیه و فرانسه درعراق نفوذ زیادی پیدا کرده اند.

۴. شخص صدام نیز با رفتار خود بهانه ی لازم را به دست آمریکاییان داده است.

آمریکایی ها با هدف مبارزه با تروریسم و سلاح کشتار جمعی به عراق حمله کردند. اما به گفته ی کوین فیلیپس نویسنده ی کتاب «تئوکراسی آمریکایی» اولین ساختمانی که به اشغال آمریکایی ها درآمد ساختمان وزارت نفت عراق بود و اولین چیزی که از بیرون کشیدند نقشه و اسناد میادین نفتی عراق بود، نه سلاح کشتار جمعی. وی مهم ترین تهدید برای آمریکا در قرن بیستم را وابستگی آمریکا به محصولات نفتی می داند و سیاست جنگ و ترور آمریکا را نیز از همین منظر مورد توجه قرار می دهد. از دید وی مسائلی چون آزادی و حقوق بشر فقط تظاهر هستند، آن چه که در سیاست های آمریکا بیش ترین نقش را دارد، نفت و ژئوپلیتیک است.

انگیزه های واقعی و پنهان آمریکا از حمله به عراق

همان طور که گفته شد، مبارزه با تروریسم و سلاح کشتار جمعی شعار و نقابی بیش برای مشروعیت بخشی به حمله به عراق نبود. آمریکا از حمله به عراق اهداف مهم تر و شخصی تری را دنبال می کرد:

۱. تسلط بر منابع نفتی عراق با دو هدف:

الف) تأمین نفت مورد نیاز آمریکا

ب) کنترل منابع انرژی رقبای آمریکا یعنی چین، روسیه، ژاپن، فرانسه و آلمان

۱. جلوگیری از نفوذ رقبای خود در خلیج فارس

۲. حفظ برتری اسرائیل در منطقه

معرفی ایران به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی:

ایالات متحده آمریکا با اهداف مختلف سعی دارد جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی و به عنوان خطری برای جهان خصوصاً کشورهای منطقه معرفی کند.

به طور کلی آمریکا از ایجاد ایران هراسی اهداف زیر را دنبال می کند:

۱. انتقال بحران از مدیترانه به خلیج فارس [با هدف جلب توجه جهانیان به مسائلی غیر از اشغال فلسطین و سایر اقدامات اسرائیل در منطقه]

۲. سرعت بخشی به روند سازش اعراب و اسرائیل [با هدف ایجاد صلحی به سود اسرائیل و متحدانش]

۳. انزوای ایران

۴. مهار ایران

۵. ایجاد مسابقه تسلیحاتی [خصوصاً در منطقه خلیج فارس و با هدف کسب سودهای کلان حاصل از خرید و فروش تسلیحات]

۶. توجیه حضور نظامی خود در منطقه [به بهانه ی مبارزه با تهدید ایران]

۷. تسلط به منابع [منطقه] خصوصاً نفت “ .

رابطه بین الملل

برای تهیه کتاب "گزینه های راهبردی آمریکا در جهان آشوبناک"، با اندیشکده روابط بین الملل تماس حاصل فرمایید.

WWW.IRTT.IR



گزینه های راهبردی آمریکا در جهان آشوبناک

توصیه های اندیشکده رنت برای رئیس جمهور آینده آمریکا



نویسنده: جیمز دابینز

مترجمان: سید عبدالعجید زواری، احسان اعلائی پور، فرشته کنذی دابینی

گزینه های راهبردی آمریکا در جهان آشوبناک

مترجمان: زواری، اعلائی پور، کنذی دابینی

کتاب "گزینه های راهبردی آمریکا در جهان آشوبناک" اولین قسمت از سری کتاب های است که در آن اندیشکده رنت به بررسی عناصر یک استراتژی ملی قابل اجرا در سیاست خارجی آمریکا در این جهان به سرعت در حال تغییر می پردازد. در حقیقت به توجه به اهمیت و نقش اندیشکده رنت در جهت دهی سیاست های کلان واشنگتن، می توان این کتاب را توصیه ها و به عبارت بهتر دستورالعمل این مؤسسه برای رئیس جمهور آینده آمریکا قلمداد کرد. بطور کلی با توجه به سبب فوق به همچنین روابط برقرار و ورود دولت آمریکا با جبهه وری اسلام ایران، این کتاب منبع ارزشمندی است که می تواند از سوی تصمیم گیرندگان سیاست های دفاعی و خارجی، مسئولین قوای مجریه، تحلیلگران، رسانه ها، سازمان ها، مؤسسات، دانشجویان و به طور کلی تمامی افرادی که به نقش و راهبردهای آمریکا در جهان علاقه مند هستند مورد بهره برداری قرار گیرد.

